

سنجش میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز)

سید جعفر حجازی*، استادیار، گروه عمران، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۶

چکیده:

در سال‌های اخیر رشد بی‌رویه و شتابان شهرها مشکلات شهری بسیاری ایجاد نموده است. این مشکلات تمامی جنبه‌های شهرنشینی را تحت تأثیر خود قرار داده و چه بسا که زندگی شهری را مختل نموده است. یکی از این مشکلات قابل توجه در شهرها وجود بافت‌های فرسوده می‌باشد، که خود منشأ بسیاری از مشکلات شهری از جمله مسائل اقتصادی-اجتماعی، کالبدی-فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی می‌باشد، که همه‌ی این‌ها زمینه ناپایداری را در شهرها فراهم کرده است. شهرها محصول فرآیندی هستند که به افزایش کارایی و تحرک عوامل توسعه برای رفع نیازهای جوامع انسانی می‌انجامند. این بدان معنی است که ساخت فیزیکی و کالبدی شهرها ریشه اقتصادی دارد. بنابراین شاخص‌های اقتصادی در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و افزایش مشارکت مردمی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

هدف پژوهش حاضر مطالعه سنجش میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، شهر اهواز است. برای جمع‌آوری پیشینه و مبانی نظری موضوع مورد مطالعه، از اسناد کتابخانه‌ای و مراجع اصیل مرتبط با موضوع مورد پژوهش، استفاده شده است؛ همچنین به منظور سنجش افکار و نظرات کارشناسان پژوهش از روش پیمایشی به صورت پرسش‌نامه استفاده شده است. پس از مرحله نظرسنجی‌ها و ویرایش آن‌ها، نظرات مختلف دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌های پژوهش از مدل VISUAL PROMETHEE است، تا رتبه بندی محلات براساس مشارکت بازاریان مشخص شود. نتایج نشان می‌دهد، که از بین محلات بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز، محله سی متری با $ph+ 0,69$ بالاترین وزن و محله عامری با $ph+ 0,24$ کمترین امتیاز اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مشارکت بازاریان بافت مرکزی شهر اهواز را به خود اختصاص داده‌اند. در خاتمه برای نهادینه سازی معیارها پیشنهاداتی ارائه گردید.

کلمات کلیدی: شهر اهواز، بافت فرسوده، بهسازی و نوسازی، مشارکت شهروندان.

۱- مقدمه و بیان مسئله

امروزه شهرها از ساختار اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی به مراتب پیچیده نسبت به گذشته برخوردار هستند. تغییر ساختار جمعیتی در محدوده‌های جغرافیایی شهرها و افزایش حرکت‌های جمعیتی از نقاط روستایی به شهری از مهمترین عواملی است که زمینه پیچیده شدن ساختار اجتماعی- فرهنگی را فراهم آورده است. بدین ترتیب از مهمترین پیامدهای چنین روند شهرنشینی و افزایش جمعیت در کنار عدم تأمین زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، به وجود آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون شهری و درون‌شهری است که معضلات متعدد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. این مسئله در کنار تبدیل شدن زمین به یک منبع کمیاب اجتماعی، در دهه‌های اخیر باعث شده است که استفاده بهینه از بافت‌های فرسوده که یکی از منابع اصلی تأمین زمین درون‌شهری است، اهمیت ویژه‌ای بیابد (Peerapun, 2012: 25).

همچنین این بافت‌ها به دلیل داشتن مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، عملکردی، ترافیکی و زیست محیطی از عمده ترین چالش‌های مدیریت شهری و نظام شهرسازی می‌باشند و برای کل گستره شهری یک تهدید جدی به شمار می‌آیند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹). به تبع این مشکلات باید به دنبال راهکاری برای بهسازی و نوسازی این بافت فرسوده شهری باشند. که یکی از مهم‌ترین راهکارها، بحث مشارکت مردم و بازاریان در امر بهسازی بافت‌های فرسوده می‌باشد. سودمندی مشارکت مردم و بازاریان در پروژه‌های بهسازی بافت فرسوده شهری امری انکارناپذیر می‌باشد به طوری که امروزه مسجل شده است حضور و مشارکت مردم در مداخلات صورت گرفته در بافت‌های فرسوده، نقش اصلی در تحقق‌پذیری طرح‌ها ایفا می‌نماید. هرگاه مردم در اجرای فعالیت‌ها، پروژه و برنامه‌ها و برنامه‌های توسعه مشارکت داشته باشند، دسترسی به اهداف این پروژه آسان تر و همچنین اقدامات و برنامه‌های توسعه نیز بر نیازها منطبق بوده و پایدار خواهد ماند. عدم مشارکت مردم در پروژه‌ها و طرح‌های شهری از مسایل عمده‌ای است که در کشور ما از آن رنج می‌برد، به این معنی که در فرایند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای یک طرح مردم یا اصلاً نقشی ندارند یا نقش آن‌ها بسیار کم‌رنگ است (قدرجانی و قیطرانی، ۱۳۹۱: ۸۱).

با توجه به روند رو به گسترش شهر اهواز بعد از جنگ، مسأله بافت‌های فرسوده شهری نمود بیشتری پیدا کرده است. در حال حاضر محدوده مورد مطالعه از معضلات متعددی نظیر ناکارآمدی شبکه‌های ارتباطی، کمبود خدمات و امکانات، امنیت پایین و مسائل متعددی که بافت‌های فرسوده با آن‌ها دست به گریبان هستند، مواجه است از جهتی به دلیل مشکلات ناشی از توسعه فیزیکی شهر اهواز، مهاجرت ساکنان بومی از محلات بافت قدیم و از جمله محدوده مورد مطالعه، که به تبع آن، مهاجرت قشرهای کم درآمد و روستایی به این بافت‌ها شده است. محلات بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز به علت دارا بودن بافت فرسوده، در حیطه مشارکت مردمی و مشارکت بازاریان به منظور توسعه شهری و بهسازی و نوسازی بافت و مسکن فرسوده به بحث چالش کشیده می‌شود. لذا سؤال اصلی پژوهش، بررسی این موضوع است که میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری در کدام یک از محلات بافت مرکزی شهر اهواز از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

محدوده مورد مطالعه بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز است که مساحت آن حدود ۴/۷۶ کیلومتر مربع با جمعیتی معادل ۵۶۹۷۶ نفر می‌باشد. که ۴/۱ کیلومتر مربع آن در محدوده منطقه یک (از شمال به خیابان رضوی، شرق به بلوار آیت‌الله بهبهانی، جنوب به بلوار جمهوری و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شود) و ۰/۶ کیلومتر مربع آن در محدوده منطقه ۷ (از شمال به خیابان خرم کوشک، شرق به بلوار آیت‌الله بهبهانی، جنوب خط راه آهن و از غرب به رودخانه کارون محدود می‌شود) شهر اهواز قرار گرفته است.

۲- مبانی و چارچوب نظری

در حال حاضر، بافت‌های فرسوده و ناکارآمد در کشور ما به عنوان یک مشکل اساسی در شهرهای مختلف و حتی روستاها مطرح می‌باشند. بافت‌هایی که زمانی مرکز تمرکز جمعیت و اقتصاد بوده‌اند، به نقاطی کم بازده در اقتصاد شهری تبدیل شده‌اند

(زالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰) همچنین، این بافت‌ها امروزه با توجه به روندهای نوگرایی و فرانوگرایی در حال جریان، در بستر کالبدی و فرهنگی شهرها، بافت‌های ناکارآمد و چالش آفرین برای مدیریت و برنامه‌ریزی در شهرها قلمداد می‌شوند (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰). به طوری که بر تصمیم‌گیری‌های مدیران شهری اثرگذار بوده و بخش مهمی از فعالیت‌های آنان به بهبود شرایط و راهکارهای مناسب برای بالا بردن شرایط زندگی در این مناطق اختصاص یافته است (Wang, 2007, ۳۳۷). ساماندهی و نوسازی بافت مرکزی و فرسوده شهر، بسیار مخاطره آمیز، زمان بر، پیچیده و حساس است. این موضوع در دهه‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است. بافت فرسوده که به عنوان شبکه به هم پیچیده روابط کالبدی از نسل‌های پیشین به یادگار مانده است، با وجود دگرگونی‌های زیاد در طی ۵۰ سال اخیر هنوز نتوانسته است با شرایط موجود شهرنشینی کشور سازگار گردد. زیرا دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که از اوایل قرن حاضر در هم‌سویی با روند جهانی و در پیروی از کشورهای توسعه یافته در قالب روند مدرنیزاسیون، سبب ایجاد روابط کالبدی و فضای جدیدی در بافت قدیم و فرسوده شده است؛ عملاً با گذشته خود در تقابل است. لذا نظم بخشیدن به این تغییر و تحولات کالبدی و کارکردی بافت فرسوده با مشارکت ارگان‌های مختلف از جمله مردم ساکن بافت بسیار حائز اهمیت می‌باشد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). در حال حاضر نوسازی بافت فرسوده، یکی از دغدغه اصلی مدیریت شهری در کشور ما محسوب می‌شود در حالی که ثابت شده است مداخله مستقیم و گسترده در بافت‌های فرسوده شهرها بسیار پرهزینه بوده و در عین حال سود اقتصادی قابل توجهی نیز برای سرمایه‌گذاران در برناردارد، کماکان با اجرای طرح‌های نوسازی، بافت و ساخت اجتماعی محلات مسکونی مورد مداخله و حتی محلات مجاور، دستخوش تغییرات فراوانی شده و به همین دلیل بسیاری از مواقع، طرح‌های نوسازی با مقاومت‌های اجتماعی از سوی ساکنان روبرو می‌شود، که هزینه اجرای این طرح‌ها را افزایش داده است. بدین ترتیب عدم صرفه اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و اثرات نوسازی بر بافت‌های اجتماعی و اقتصادی محلات و شهرها موجب شده تا جریان نوسازی که در ابتدا با مداخلات گسترده دولتی بر محلات فرسوده تحمیل می‌گشت، به تدریج به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و استفاده از سرمایه اجتماعی محلات متمایل شود (قندهاری، ۱۳۹۷: ۲). همچنین موضوع بازسازی و نوسازی این بافت‌ها، اصولاً امری است که، بدون مشارکت ساکنان مناطق امکان‌پذیر نیست. و از آن روی اهمیت پیدا می‌کند، که محدودیت‌های مالی و اجرایی، سازمانی، حقوقی و قانونی مانع عمده‌ای در راه تمرکز اجرای اقدامات توسط بخش دولتی و عمومی قلمداد می‌شود. بنابراین، اساساً صرف نظر از ابعاد اجتماعی-فرهنگی نوسازی که با توجه به سلاقی مردم نیازمند تکثیر و تنوع است، تمرکز اجرای این طرح‌ها از عهده شهرداری و حتی دولت خارج است. حاصل و دستاورد این مرحله از اقدامات توسعه‌ای نوسازی نشان دهنده لزوم «تمرکززدایی» در مدیریت اجرایی طرح‌های نوسازی است که این امر مستلزم توسعه ظرفیت‌های محلی و به تبع آن نقش مشارکت مردمی در فرآیند نوسازی است (ابراهیم زاده آسمین، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۱۰۱).

مطابق مطالعات انجام شده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران در گذشته، جلب مشارکت شهروندان در رفع مشکلات و مسائل شهری ایران، کم یا تشریفاتی بوده و بیشتر اقشار توانایی لازم را برای بیان خواست خود از تشکیلات قدرت ندارند (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۸). به طور کلی محدودیت‌های کشور در زمینه مشارکتی را می‌توان در سرفصل‌های محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، ساختاری، فقدان آگاهی عمومی و فقدان سیاست‌های مشارکتی در ادارات ذیربط خلاصه نمود (Esmaili & Zoghi, 2014: 69). به دنبال این مشارکت‌ها احیای بافت‌های فرسوده به ویژه در مراکز شهرهای بزرگ، یکی از مقوله‌های پیچیده‌ای است که همواره نگاه مدیران، کارشناسان و مردم را جلب کرده است؛ به ویژه این که در مراحل نوسازی و بهسازی شهری، ایجاد زیربنای سالم اقتصادی و برطرف کردن فقر مادی قشرهای ساکن آن از یک سو و همکاری و مشارکت مدیران و سایر دست‌اندرکاران ذی نفع و ذی نفوذ از سوی دیگر، دست کم این امید را به وجود می‌آورد

که طرح‌هایی از این دست، نیمه کاره نخواهند ماند؛ بنابراین، امروزه در بیشتر مراکز شهری یا مجموعه‌های اجرایی، طرح‌های نوسازی و بهسازی که متشکل از همهٔ سازمان‌های درگیر و مشارکت آن‌هاست، در قالب مدیریت یکپارچه و مشارکتی انجام می‌گیرد (امیری و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۲۴).

۲-۱- مزایای بهسازی بافت‌های فرسوده شهری بر پایه مشارکت مردم

تجربه ثابت کرده است، زمانی که اجتماعات درگیر پروژه‌ها می‌شوند، طرح‌ها و پروژه‌ها شانس بیشتری برای بقا دارند. کوین لینچ و جین جکوبز از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی شهری براساس شهرسازی انسان-گرا اظهار نظر کرده‌اند. به اعتقاد لینچ جریان بهسازی شهری با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مردم شهر صورت گیرد (شماعی، ۱۳۸۴: ۱۹۵). به طور کلی مزایای استفاده از مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری را می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۱: به وجود آمدن روند مدیریتی و برنامه‌ریزی برای بافت‌های فرسوده که به صورت موثر کارآمد و منصفانه است. ۲- افزایش ارتباط ساکنان بافت‌های فرسوده و سازمان‌های متولی و در نتیجه آن پاسخگو بودن بیش از پیش، روند برنامه ریزی. ۳- افزایش پیوستگی و نزدیکی اقشار اجتماعی و حس جمعی ۴- صرفه جویی در هزینه‌های بهسازی و به وجود آمدن مالکیت شهروندی، و تعهد و مسئولیت درقبال پروژه‌ها و طرح‌ها (یاپنگ غراوی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۹۷).

همچنین نگرش مشارکتی و تعاملی از جمله شرط اساسی بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری محسوب می‌شود، بازآفرینی که از اصطلاحات نوسازی و توان‌بخشی حاصل می‌شود که هم‌راستای بازسازی و اصلاح اقتصاد شهری در راستای برابری اجتماعی و تعاملات اجتماعی می‌باشد (Mohebifar et al, 2017: 7). که هدف آن ایجاد تفکر و عمل جمعی، به منظور تحقق عملی، اختیار دادن به جامعه محلی از طریق سازماندهی رهبری و ظرفیت‌سازی است. همچنین نقش و اثرات بازآفرینی می‌تواند در برنامه ریزی محدوده‌های بافت‌های فرسوده بسیار تعیین کننده باشد، به طوری که اجرا و پیشبرد هر نوع برنامه در زمینه حفظ، نگهداری و احیای بافت‌های فرسوده با مشارکت شهروندان تحقق خواهد یافت (نصیری هنده خاله و سالاری نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۶). به دنبال آن می‌توان گفت که نوسازی بافت فرسوده نیز با دو مانع اساسی مواجه است: یکی بافت فرسوده و دیگری سازوکارهای فرسوده جهت نوسازی (عندلیب، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

عوامل زیادی بر افزایش مشارکت مردم مؤثر می‌باشند، که مهمترین عوامل مؤثر بر افزایش مشارکت فعالانه در جامعه را می‌توان در شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی خلاصه نمود (Masoud & Borumand, 2015: 39)، که شاخص‌های اجتماعی را می‌توان به معنای میزان تعامل افراد با یکدیگر، مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی دانست. که می‌تواند نتایج مثبتی برای آینده جوامع و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی به همراه آورد که موجب تسریع در فرآیند مشارکت مردمی در جوامع گردد (ریت برگن، ۲۰۰۷: ۴).

۲-۲- نظریات رویکرد مشارکتی

۲-۲-۱- نظریه دوره نوین در مورد سبک مدیریت مشارکتی

تئوری نظام که آن را تئوری نوین نیز می‌نامند، برای برطرف کردن نارسایی‌ها و یکسوی‌نگری‌ها و جزءبینی، مکتب - کلاسیک و نئوکلاسیک به وجود آمده است. در این تئوری، سازمان به عنوان نظام اجتماعی که حالت دینامیک دارد و همواره در حال تغییر و تحول و تعامل با محیط است، ارائه شده است و همین عملکرد پویا، ادامهٔ حیات و بقای نظام را تضمین می‌کند (اسدیان و سیاحی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اگر افراد استقلال بیشتری در کار پیدا کنند، در تصمیم‌گیری نقش مهم‌تری خواهند داشت و با مدیریت، روابط بهتری برقرار خواهند کرد (سجادی‌پور و پور موسوی، ۱۳۹۰: ۹۸). در این چارچوب، نظریه‌های متعددی در زمینهٔ برنامه-

ریزی و مدیریت مشارکتی و مشارکت مردم در ساخت شهرها، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح شده است (سیدیان، ۱۳۸۸: ۳۳-۳۵). با بررسی مبانی فکری مدیریت مشارکتی و نظریه دوره نوین درمورد سبک‌های مدیریت مشارکتی، باید اذعان داشت که در انواع مداخله‌های مورد انتظار در بافت‌های فرسوده نظیر بهسازی، نوسازی و بازسازی، امکان بهره‌مندی از الگوهای مشارکتی وجود دارد و هریک با توجه به نوع مداخله، در بهبود عملکرد این الگو تأثیرگذارند. بافت‌های فرسوده شهری که تحت تأثیر مدرنیزاسیون شتابزده، جمعیت غیربومی بلا تکلیف و ناهماهنگ با زندگی شهری را به جای جمعیت بومی نشانده است، علاوه بر ایجاد محیط فیزیکی ناخوشایند، فضای اجتماعی ناپایداری نیز بوجود آورده است؛ که ابتدا ساکنین محدوده و سپس سایر مناطق شهر در معرض خطر آن قرار دارند. به همین دلیل، نوسازی بافت‌های فرسوده شهری یکی از مسائل اساسی در حوزه شهرسازی می‌باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

در جدول ۱ به طور خلاصه به نظریاتی که در رابطه با مشارکت مردم در شهر می‌باشد اشاره شده است؛

جدول (۱): نظریات رویکرد مشارکتی

نظریه پرداز	نظریه
جیمز سیجلی	سیجلی بر پایه پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار شیوه ضد مشارکتی، شیوه مشارکت فزاینده، شیوه مشارکت واقعی تقسیم می‌کند. در شیوه ضد مشارکتی، هرگونه مداخله و مشارکت همگانی که اهداف کلان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت را تهدید کند سرکوب می‌شود.
اسکات دیویدسون	اسکات دیویدسون در سال ۱۹۸۸، گردونه مشارکت را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. وی به سطوح چهارگانه مشارکت معتقد است که شامل اطلاع رسانی، مشاور، مشارکت و توانمندسازی می‌باشد. در این گردونه روش‌های گوناگون تحقق امر مشارکت قرار می‌گیرند که تقدم و تاخیری بی آنها وجود ندارند.
دریکل	دریکل مشارکت را بر سه عامل مبتنی می‌داند: ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد، ۱- توسعه با اولویت ساکنان محلی باشد، ۲- مردم ساکن در محدوده مداخله دقیق‌ترین اطلاعات را در مورد آن محدوده دارد. ۳- مردمی که بیشترین تأثیرات را از مشارکت می‌پذیرد، بیشترین سهم مشارکت را تصمیم‌گیری دارند.
نظریه میانجیگری	نظریه میانجیگری که به سفارش دفتر معاون نخست وزیر بریتانیا انجام شد، مشارکت را به گونه‌های مشارکت عمومی، مشاوره عمومی و برنامه ریزی مشارکتی تقسیم می‌کند و معتقد است که آنچه تا کنون اتفاق افتاده مشارکت عمومی است و نه برنامه ریزی مشارکتی - مشارکت عمومی فرآیندی است که توسط برنامه ریزان هدایت می‌شود. برنامه ریزان می‌کوشند از طریق پیش‌بینی و برآورد نیازهای مردمی به برنامه‌های متناسب با سیاستهای ملی برسند. در این شیوه جریان‌های اطلاعات عمدتاً از سوی برنامه ریزان به سمت مردم است. مشاوره عمومی فرآیندی است که از طریق آن، مردم از طراحی که توسط برنامه ریزان با دولت تهیه شده، آگاه می‌شوند و سپس دعوت می‌شوند تا نظر خود را در مورد طرح از پیش تدوین شده بیان دارند.
شری ارشتاین	مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت مشارکت به کار گرفت و برای آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. در پایینترین سطح نردبان (محرومیت از مشارکت) شهروندان هیچوقت قدرت مشارکتی ندارند. در مرتبه بعدی که ارشتاین آن را درسان نام نهاده، مشارکت غیر صادقانه جهت توجه برنامه ریزان اتفاق می‌افتد. پله‌های دیگر اطلاع رسانی، مشاوره، تسکین، شراکت، قدرت تفویض شده و اختیار شهروندان را شامل می‌گردد.

(یاپنگ غراوی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۹۱).

۳- پیشینه پژوهش:

در طی سالیان اخیر مطالعات بسیاری در زمینه مشارکت شهروندی به صورت یک راهبرد، انجام پذیرفته است که از جمله آن می‌توان به نتایج علمی حاصل شده از تحقیقات ارشتاین (۱۹۶۹)، هابرماس (۱۹۷۱)، جینن (۱۹۹۶)، مک لین (۱۹۹۶) استیون (۱۹۹۹)، کوپنجا و انسریک (۲۰۰۹)، اوزلم گزی (۲۰۰۹)، باراتن و اگوستین (۲۰۱۵)، عمر و همکاران (۲۰۱۶)، لاروسا و همکاران (۲۰۱۷) اشاره نمود. که نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، که مشارکت شهروندان در طراحی، اجرا، ارزیابی برنامه‌های شهری یک اصل اساسی و بلامنازع قلمداد می‌گردد و همه این محققان به نقش پررنگ مشارکت شهروندان در اجرای طرح‌های شهری به-خصوص بافت فرسوده شهری تأکید کرده‌اند.

کوپنجا و انسریک (۲۰۰۹) در مقاله‌ای ضمن بررسی تجارب مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های زیربنایی شهری، به شناسایی شیوه‌های حکمرانی شهری برای کمک به مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های زیربنایی شهری با هدف افزایش پایداری محیط شهری پرداخته‌اند.

اوزلم گزی (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان بررسی راهکارهای بهسازی و باززنده سازی نواحی مسکونی فرسوده در شهر آنکارا انجام داده است به این نتیجه رسیده است که باززنده سازی و بهسازی بافت‌های فرسوده مناطق مورد مطالعه، راهبرد فضایی برای هویت بخشیدن به ساکنین این مناطق و میزان مشارکت شهروندان باعث افزایش تجهیزات مورد نیاز شهروندان این مناطق باشد. هال (۱۹۹۵) در کتاب خود با عنوان یک تئوری عمومی به سوی شهر به این نتیجه رسیده است که توجه به حرکت انسان در فضاهای شهری و شرایط زیستی ساکنان با مشارکت شهروندان، انجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکردی شهر قدیم و انطباق مکان و زمان در مجموعه‌های شهری با حضور مطالعات برنامه ریزی شهری در بهسازی و نوسازی شهر تأکید می‌ورزند.

مایکل میدلتون (۱۹۸۷) در مقاله خود با عنوان نوسازی شهری در آمریکا، مشارکت مردمی در طراحی و اجرای پروژه‌ها، توسعه و رونق گردشگری و جذب جهانگرد از سراسر دنیا، حفظ مجموعه‌های تاریخی چینی جاهای قدیمی، اهمیت درک پیوستگی و تداوم زمانی برنامه‌ها در امر نوسازی و بهسازی چینی جاهای شهری را ذکر کرده‌است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴).

شهریاری (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان بررسی میزان مشارکت مردم در بازسازی بافت فرسوده کلانشهرها (مطالعه موردی: خیابان شاهداعی اله شیراز) به این نتیجه رسیده است که مشارکت مردم و شهروندان در تسریع روند بهسازی بافت فرسوده محله شاهداعی اله تأثیرگذار است و ساماندهی معابر محله مورد مطالعه باعث ارتقاء کارکرد و نقش پذیری جدید آن می‌شود.

مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای خود با عنوان مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله خیرآباد شهر بیرجند) مطابق یافته‌ها پاسخگویان به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین تمایل را به مشارکت در تصمیم‌گیری و کمترین گرایش را به مشارکت مالی دارند. مؤلفه‌های احساس تعلق، اعتماد و انسجام اجتماعی، دسترسی به خدمات، طرح‌ها و اقدامات حمایتی و توسعه نهادی و ظرفیت سازی بر مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده تأثیر دارند. در این بین احساس تعلق به محل سکونت بیشترین تأثیرگذاری (۰,۵۳۳) را دارد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای خود با عنوان رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران به این نتیجه رسیده‌اند که به منظور عملیاتی نمودن رویکرد مشارکت جویانه در روند نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده می‌توان از فرآیند همکاری پایدار به عنوان روشی جامع استفاده نمود.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای خود با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان مشارکت مردمی در روند ساماندهی بافت فرسوده با مؤلفه‌های میزان امکانات و خدمات شهری و اعتمادسازی رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت نتایج آزمون کروسکال والیس حاکی از آن بود که محلات کارخانه نمک و غریب آباد به ترتیب، با میانگین رتبه‌های ۱۳۶/۵۹، ۷۳/۳۹ در بهترین و بدترین شرایط قرار داشتند.

یاپننگ غراوی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای خود با عنوان اولویت‌بندی روش‌های افزایش مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: ساریان محله بجنورد به این نتیجه رسیده‌اند که از دیدگاه کارشناسان مشارکت مالی با شهرداری، اعطای وام به صورت انفرادی، مشارکت با همسایگان برای نوسازی، تملک، تخریب و نوسازی توسط شهرداری و معاوضه زمین یا ساختمان موجود با واحد مسکونی موجود در همان محله به ترتیب به عنوان گزینه‌های موثر در جهت افزایش مشارکت

شهروندان در بهسازی بافتهای فرسوده رتبه‌بندی شدند. واز دیدگاه ساکنان از بین گزینه‌های مطرح شده مشارکت با همسایگان برای نوسازی به صورت تجمیع قطعات دارای بیشترین امتیاز نسبت به گزینه‌های دیگر بود.

امیری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای خود با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده با رویکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران) به این نتیجه رسیده‌اند که عرصه‌های تصمیم‌گیری مرتبط، انتخاب شیوه‌های مختلف مشارکت شهروندان و سیاست‌هایی مناسب در نوسازی و بهسازی بافتهای فرسوده اصلاح، تثبیت و ارائه شده و نشانگر آن است که حل مشکلات بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده، با مدیریت شهری، مرمت و مشارکت مردم رابطه مستقیم دارد.

نقدی و کولیوند (۱۳۹۴) در مقاله‌ای خود با عنوان بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری در خیابان مدرس به این نتیجه رسیده‌اند که نه تنها انگیزه‌های مردمی برای مشارکت اجتماعی، (به دلیل ریسک اقتصادی بالا و تسهیلات پایین) کم می‌باشد؛ بلکه سازمان‌های مربوطه در مورد انجام شدن این طرح‌ها نظراتی مغایر با هم دارند؛ لذا چاره‌اندیشی برای رفع این مشکلات ضروری است. بطور کلی با توجه به مباحث مطرح شده در قسمت مبانی نظری و براساس متغیرهای مستقل (مشارکت) و وابسته (بازآفرینی بافت فرسوده شهری) مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل (۱): مدل مفهومی نقش مشارکت در بازآفرینی بافت فرسوده شهری

۴- روش‌شناسی:

پژوهش حاضر از لحاظ هدف‌گذاری کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی به صورت «توصیفی - تحلیلی» می‌باشد. در این فرآیند متناسب با داده‌های موردنیاز از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی و منابع مرجع در رابطه با موضوع پژوهش برای گردآوری اطلاعات بخش توصیفی و تحلیلی پژوهش استفاده شده است. برای گردآوری داده‌های بخش تحلیلی پژوهش از نظرات ۴۲ نفر از بازاریان محله مورد مطالعه که با روش تصادفی انتخاب شده‌اند، استفاده شد و در مرحله بعد جهت تحلیل و وزن‌گذاری داده‌های پژوهش نیز از نرم‌افزار VP استفاده شده است.

– مدل **VISUAL PROMETHEE**: در مقاله حاضر از روش VP برای اولویت‌بندی معیارهای کسبه و بازاریان استفاده شده است. روش پشتیبانی تصمیم‌گیری VP را دو بلژیکی به نام‌های «ژان پی برنر»^۱ و «برتراند مارسکال»^۲ در دهه ۱۹۸۰ ارائه دادند. این روش در زمره تکنیک‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد که باعث تحول در روش‌های رتبه‌بندی شده است.

1. Jean-Pierre bronze
2. Bertrand Marskal

روش‌های VP به صورت چند تصمیم‌گیرنده عمل می‌کنند. ترکیب این روش‌ها با روش‌هایی مانند GAIA، ابزار مفیدی را برای تحلیل ارتباط میان شاخص‌ها و تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کند و شکاف زمانی تا هنگام توافق بر سه تصمیم را از بین می‌برد.

معرفی و مراحل تکنیک افزار PROMETHEE: این تکنیک برای غنی‌سازی ارزیابی‌ها، که ژان پیر برنز و برتراند مارسکال آن را در سال ۱۹۸۶ برای نخستین بار مطرح کردند، روش پرومیتیه جزء روش‌های MADM و به عنوان یک روش کارا و با استفاده از دو واژه ترجیح و بی تفاوتی به دنبال انتخاب بهترین گزینه می‌باشد این روش برای ارزیابی و اولویت‌بندی گزینه‌های گسسته و انتخاب بهترین گزینه بر اساس چند معیار (با مقیاس‌های مختلف اندازه‌گیری) بکار می‌رود. همچنین روش‌های پرومیتیه در مواردی که معیارهای تصمیم‌گیری در تضاد بر یکدیگر قرار داشته و تصمیم‌گیران اطلاعات پایه در جدول تصمیم‌گیری را ناکافی می‌دانند عملکرد مناسبی دارد (فرجی سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱).

گام اول: $d_j(a, b) = f_j(a) - f_j(b)$ بیانگر تفاوت اندازه‌ها در شاخص J است. این تفاوت برای شاخص‌های Max زمانی معنادار خواهد بود که $f_j(a) > f_j(b)$ باشد. و برای شاخص Min این رابطه برعکس است. **گام دوم:** پس از محاسبه میزان تفاوت گزینه‌ها با یکدیگر، مقدار $P_j(a,b)$ و با توجه به توابع یادشده به دست خواهد آمد. **گام سوم:** مجموع موزون برتری گزینه a نسبت به b که آن را با $\pi(a,b)$ نشان می‌دهند. **گام چهارم:** این گام شامل دو جریان خروجی و جریان ورودی می‌باشد: **جریان خروجی:** بیان می‌کند یک گزینه مانند a چه قدر از گزینه‌های دیگر برتر است. هرچه این مقدار بیشتر باشد این گزینه برتر خواهد بود. **جریان ورودی:** بیان می‌کند که گزینه‌های دیگر چه قدر برگزینه a برتر می‌باشند. هرچه این مقدار کمتر باشد این گزینه بهتر خواهد بود. **گام پنجم:** به دست آوردن جریان خالص رتبه‌بندی، این جریان توازن میان جریان رتبه‌بندی مثبت و منفی است. جریان خالص بالاتر نشان‌دهنده گزینه برتر است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

۵- یافته‌های پژوهش:

در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی شاخص‌های مورد استفاده در امر پژوهش با توجه به نظرات کسبه و بازاریان به تعیین توابع برتری و اهمیت شاخصه‌های اصلی پرداخته و نتایج وزن‌دهی در جدول زیر ارائه گردیده است. با توجه به نظرات کسبه و بازاریان محلات مورد مطالعه منطقه یک و هفت، به تعیین توابع برتری و وزنی شاخص‌های مورد مطالعه پرداخته شد (جدول ۲).

جدول (۲): جدول شناسایی توابع برتری معیار ترجیحی در مدل پرومیتیه

ردیف	نام معیار	اهمیت معیار	تابع برتری
۱	ارزیابی مشارکت کسبه و بازاریان در امر بهسازی و نوسازی	اهمیت بالا	عادی
۲	مشارکت اجتماعی	اهمیت بالا	عادی
۳	مشارکت اقتصادی	اهمیت بالا	عادی
۴	مشارکت سیاسی	اهمیت بالا	عادی
۵	ارزیابی موانع مشارکت در امر بازسازی	اهمیت بالا	عادی
۶	بازسازی مشارکت	اهمیت بالا	عادی
۷	شیوه مالی	اهمیت بالا	عادی

گام‌های اول تا سوم در نرم‌افزار Visual PROMETHEE نشان‌دهنده این است که تمامی معیارها دارای اهمیت مثبت (Max) می‌باشند. این شکل شامل مقایسه گزینه به معیار که گزینه‌ها شامل ۱۲۰ کسبه به ترتیب جدول (۲) می‌باشد که در پی پاسخگویی به موضوع مشارکت در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری بودند.

Criteria	Unit	Alt1	Alt2	Alt3	Alt4	Alt5	Alt6	Alt7	Alt8
Preference	max	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00	1.00
Preference Phi	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual	Usual
Thresholds	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute	absolute
Statistics									
Minimum		1.50	1.80	1.60	2.20	5.20	1.20	1.40	
Maximum		2.93	3.20	3.00	5.00	5.87	1.80	5.00	
Average		2.38	2.49	2.33	3.35	5.66	1.52	2.58	
Standard Dev.		0.51	0.43	0.47	0.96	0.24	0.28	1.15	
Evaluations									
Phi		2.93	2.40	1.60	2.20	5.20	1.20	2.00	
Phi+		1.86	2.60	1.60	4.40	3.87	1.80	1.80	
Phi-		1.93	2.80	2.00	5.00	5.83	1.79	5.00	
Phi+		2.45	2.80	2.40	2.80	5.40	1.80	1.80	
Phi-		1.93	1.80	2.00	4.00	5.84	1.80	3.60	
Phi+		5.93	2.40	1.80	5.40	5.46	1.20	1.80	
Phi-		2.86	3.00	5.00	2.80	5.87	1.80	3.00	
Phi+		2.80	3.20	2.40	2.40	5.80	1.20	1.40	

شکل (۲): مقایسه گزینه به معیار

گام‌های اول تا سوم در نرم افزار Visual PROMETHEE جهت تشکیل ماتریس اولیه طوری طراحی شده است که تمامی معیارها دارای اهمیت مثبت (Max) می باشند.

در گام چهارم و پنجم (شکل ۳) رتبه‌بندی به صورت جریان رتبه‌بندی مثبت^۱ و یا جریان رتبه‌بندی منفی^۲ نشان داده شده است. بر اساس این تحلیل، مناطق سی متری و آخرآسفالت دارای بیشترین میزان جریان خالص نوسازی و بهسازی محل کسب را داشته‌اند. به مطابق شکل ۳ و بر اساس تحلیل‌های فوق می توان این گونه استنباط کرد که این دو محله کمترین میزان جریان خالص را دارا می‌باشند. به عبارتی، این دو محله وضع مطلوب تری نسبت به سایر شاخص‌ها دارند.

Rank	action	Phi	Phi+	Phi-
1	سی متری	0.4286	0.6939	0.2653
2	آخرآسفالت	0.2449	0.6122	0.3673
3	باغ هصین	0.1429	0.5510	0.4082
4	عبدالحمید	0.1224	0.5102	0.3878
5	خزعلی	-0.0612	0.4490	0.5102
6	باغ شیخ	-0.1837	0.3469	0.5306
7	صابین	-0.2857	0.3265	0.6122
8	عامری	-0.4082	0.2449	0.6531

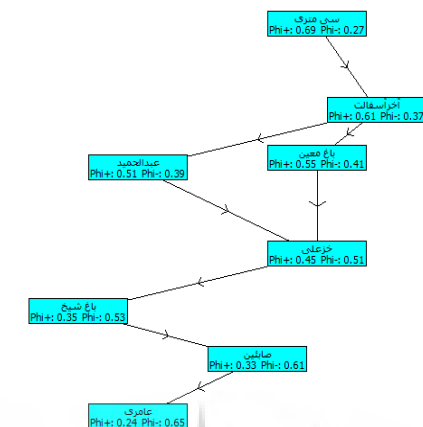
شکل (۳): رتبه‌بندی گزینه‌ها بر اساس جریان خالص و ناخالص

برای افزایش کارایی روش پرومیته به کارگیری روش (تحلیل هندسی برای کمک متقابل^۴) با تکنیک مدل‌سازی ویژه توصیه شده است. این تحلیل‌ها بر اساس پایه‌های نرم افزار پرومیته بنا شده است و تحلیل‌های گرافیکی و تشریحی را به آن می‌افزاید. در شکل (۴) با شبکه‌ای از گره‌ها و یال‌ها، مقایسه نواحی را نشان می‌دهد در این شکل رتبه بندی شاخص‌ها به گونه‌ای ارائه شده است که محله سی متری در اولویت اول قرار گرفته است این شاخص دارای بیشترین ϕ^+ و کمترین ϕ^- است.

اولویت‌بندی کامل PROMETHEE II: در این روش، بین جریان‌های طبقه‌بندی بیرونی مثبت و منفی، تعادل ایجاد می‌شود. جریان خالص بیانگر گزینه بهتر است. اولویت‌بندی کامل گزینه‌ها (PROMETHEE II) به صورت زیر تعریف می‌شود و تعیین روابط برتر (P) و اولویت بندی جزئی گزینه‌ها (I, I) در این شکل چنانچه یک گزینه دارای کمترین مقادیر مثبت و بیشتر مقادیر منفی باشد آن گزینه پایین تر از سایر گزینه‌ها می‌باشد و معرف ارجحیت کمتر می‌باشد،

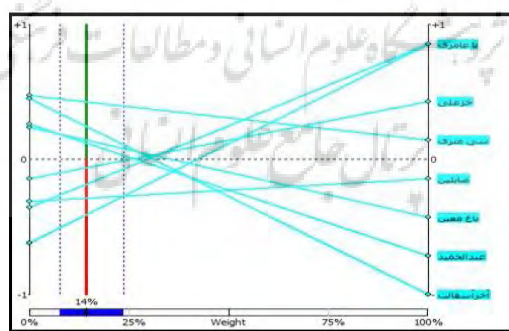
1. ϕ^+
2. ϕ^-
3. GAIA

در این روش، بین جریان‌های طبقه‌بندی بیرونی مثبت و منفی، تعادل ایجاد می‌شود جریان خالص بیانگر گزینه بهتر است در شکل (۳ و ۲) چنانچه یک گزینه دارای کمترین مقادیر مثبت و بیشتر مقادیر منفی باشد آن گزینه پایین تر از سایر گزینه‌ها بوده و معرف ارجحیت کمتر است. همان گونه که از شکل (۴) بر می‌آید، محله عامری در حد بالا، بیشترین ارجحیت را به خود اختصاص داده است و محله آخر آسفالت کمترین ارجحیت را نشان می‌دهد.



شکل (۴): بررسی توزیع معیارها و گزینه‌ها در محور دکارتی

PROMETHEE III (رفتن به بازه پایداری برای هر معیار): به صورت مفید و مختصر تحلیل پایایی وزن‌ها می‌تواند به وسیله Stability Visual Intervals نمایش داده شود. این وسیله نمودار بیانگر چگونگی تاثیر وزنی نظرات یک کسبه در تغییر phi در شاخص‌ها می‌باشد. محور افقی مربوط به مقادیر وزن شاخص انتخاب شده است بین صفر تا صد متفاوت است. محور عمودی سبز و قرمز معرف وزن فعلی گزینه است. تقاطع خطوط افقی با محور مذکور نشان دهنده مقادیر PROMETHEEII Rankind Comple می‌باشد. این نمودار نشان می‌دهد که افزایش وزن نظرات کسبه و بازاریان انتخابی (مثل کسبه ۱) در این تحلیل با کاهش شاخص عامری، خزعلیه و سی متری می‌شود شکل (۵).



شکل (۵): ارجحیت گزینه‌های تحقیق (الف) PROMETHEEII و (ب) PROMETHEEIII

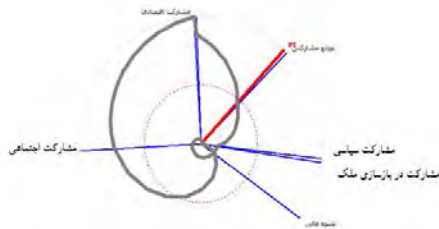
- تحلیل **GAIA**: برای افزایش کارایی روش PROMETHEE به کارگیری روش GAIA (تحلیل هندسی برای کمک متقابل) با تکنیک مدل‌سازی ویژه توصیه شده است. در این مسائل چند شاخص بسیار مهم است که تصمیم گیرنده را در مورد مخالفت شاخص‌ها و برخورد وزن شاخص‌ها روی نتایج پایانی کمک کنیم. روش مدل‌سازی ویژه GAIA این گونه تحلیل‌ها را ایجاد می‌کند. این تحلیل‌ها بر اساس پایه‌های PROMETHEE بنا شده است و به آن تحلیل‌های گرافیکی و تشریحی را می‌افزاید. در این روش مجموعه گزینه‌ها را می‌توان با n نقطه در فضای K بعدی ارائه کرد. با توجه به این که تعداد شاخص‌ها بیش از دو

شاخص است تصویر واضح از فضای n بعدی غیرممکن است و بنابراین تحلیل ترکیب اصلی می‌تواند شبیه تحلیل دوبعدی گزینه‌ها بکار رود. به سادگی دسته‌های گزینه‌های مشابه در صفحه شوند. در این روش، گزینه‌ها به وسیله PROMETHEEII توصیه می‌شود که در جهت محور تصمیم پرومته قرار گیرند (مومنی و شریف سلیم، ۱۳۹۱: ۱۷۴-۱۸۱). با توجه به شکل شماره (۶)، ضریب آلفا و کیفیت این تحقیق عدد $73/6$ درصد را تشکیل می‌دهد که نشانه درصد رو به بالایی می‌باشد، به این معنی که، هر چه مقدار این ضریب به عدد یک نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده همسازي بیشتر گویه‌های یک مقیاس است. در این پژوهش مقدار ضریب آلفا برای متغیرها $73/6$ درصد می‌باشد، همان‌طور که مشخص است ضریب پایایی به دست آمده در حد بالا می‌باشد و این موضوع نشان‌دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر می‌باشد.



شکل (۶): بررسی توزیع معیارها و گزینه‌ها در محور دکارتی،

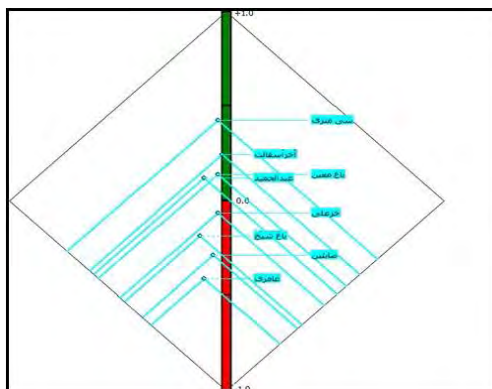
-تحلیل **GAIA WEB**: این نمودارهای گرافیکی نمایش‌دهنده جریان ϕ جریان یک هر یک از معیارهای منفرد در ارتباط با گزینه‌های مختلف است. شکل حاصله از این نمودارها بیانگر تابعی از رابطه بین معیارها در ارتباط با گزینه انتخابی می‌باشد. محورهای مربوط به هر کدام از معیارها از مرکز به پیرامون کشیده شده است. از آنجا که دایره منظم حول مرکز نشانگر مقادیر جریان خالص از مرکز تا $+1$ خارجی‌ترین دایره از مرکز دایره می‌باشد. هراندازه محورها به همدیگر نزدیک‌تر باشند و اختلاف کمتری داشته باشند نشان‌دهنده مقادیر خالص و هراندازه دور باشند نشان اختلاف بیشتر می‌باشد. از اتصال مقادیر این نظرات کسبه و بازاریان در ارتباط با هر گزینه و انتخاب، شکلی چندضلعی به هم‌ریخته (شبیه تار عنکبوت) به دست می‌آید. هراندازه این خطوط به یکدیگر نزدیک‌تر باشند یا از مرکز دایره فاصله گرفته باشد نشان‌دهنده اهمیت آن معیار و سازگاری با معیارهای مشابه (از نظر جهت و اندازه محور) می‌باشد. با توجه به شکل (۷) برای نمونه این تحلیل بر روی مشارکت پذیری کسبه و بازاریان در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محل تجاری صورت پذیرفته است. در این نمودار موقعیت محور تصمیم و دایره نقطه چین مربوط به مقادیر ϕ با خط قرمز مشخص شده است، چنانچه وضعیت شاخص نسبت به خط قرمز مطلوب باشد در بالای آن قرار می‌گیرد و بالعکس. در شکل (۷) و گزینه‌های انتخابی (اقتصادی و اجتماعی)، ارتباط با نظرات کسبه و بازاریان، طبق نظر کسبه و بازاریان خطوط توسی گرایش کسبه و بازاریان را به مؤلفه اقتصادی نشان می‌دهد.



شکل (۷): تحلیل GAIA WEB،

رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها بر اساس تحلیل شبکه در نرم‌افزار VISUAL PROMETHEE:

در شکل زیر با شبکه‌ای از طریق گره‌ها به مقایسه گزینه‌ها می‌پردازیم. در شکل (۸)، محله‌های سی متری و آخر آسفالت که بیشترین مقدار جریان مثبت دارند در اولویت اول قرار گرفته‌اند و محله‌های صابئین و عامری با کمترین مقدار جریان منفی می‌باشند در اولویت‌های بعدی هستند.



شکل (۸): رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها بر اساس تحلیل گرافیکی الماس

۶- بحث و نتیجه‌گیری:

اگرچه مسائل مربوط به مشارکت همیشه مطرح بوده‌اند و اشکالی از آن در قالب همکاری برای اهداف متنوع، شرط بقای جامعه تلقی می‌شده، ولی در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته‌اند حتی کشورهایی که از برتری‌های شهروندی برخوردار هستند و همواره جامعه مدنی قدرتمندی داشتند، امروزه از ضرورت ارتقاء مشارکت، سخن به میان می‌آورند، تا بدان جا که مشارکت را از جمله نیازهای اولیه انسانی در ردیف غذا، پوشاک و سرپناه قرار داده‌اند. یکی از این رویکردهای مشارکت، مشارکت شهروندان به‌خصوص بازاریان به‌عنوان سرمایه‌گذاران در امر بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری می‌باشد که پژوهشگر مقاله حاضر این رویکرد را در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز با مدل پرومیت، مورد بررسی قرار داده‌اند. که با استناد به نتایج نوشتار پیش رو و مقایسه با سایر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه می‌توان گفت که مطالعه حاضر تأییدکننده میزان مشارکت بازاریان در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری می‌باشد. مقایسه تطبیقی نتایج مقاله زیر با مقاله‌های شهریار (۱۳۹۸)، مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷)، موسوی و همکاران (۱۳۹۷)، زیاری و همکاران (۱۳۹۷)، امیری و همکاران (۱۳۹۵) بررسی و به اثبات رسیده‌است. نتایج نوشتار پیش رو در این رابطه نشان داد که ارتباط معنی‌داری میان مشارکت و اجرای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری است.

آنچه که می‌توان از تحلیل‌های موجود در این مقاله استنباط کرد، بیان این مطلب است که بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز که یکی از قدیمی‌ترین بافت‌های فرسوده کشور است در زمینه‌های متنوع؛ اقتصادی، اجتماعی، و غیره از غنای بالایی برخوردار است. و این در حالی است که تاکنون پژوهشی با عنوان مشارکت بازاریان صورت نگرفته، و پژوهش‌های پیشین بیشتر بر مشارکت اجتماعی شهروندان کار شده است.

بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان داد؛ محله سی متری بالاترین وزن و محله عامری کمترین امتیاز اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مشارکت بازاریان را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج تحقیق و طبق نظر کارشناسان محلاتی که از قدمت تاریخی بالایی مانند محله عامری برخوردارند، از مشارکت بازاریان کمتری نسبت به دیگر محلات برخوردار بوده‌اند. در خاتمه برای نهادینه سازی معیارهای فوق پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

- ✓ باید در زمینه خواست بازاریان به رفع مشکل آنان پرداخت تا انگیزه لازم برایشان ایجاد شود، وقتی انگیزه ایجاد شد، آنان مشارکت خواهند کرد برای ایجاد انگیزه، برنامه‌های تشویقی، ترغیبی و حمایتی لازم است. حذف عوارض شهرداری، صدور پروانه رایگان برای بناها و واحدهایی که متناسب با نقشه و ضوابط معماری بافت ساخته می‌شوند و بهره‌مندی از مزایای ویژه و امکانات رفاهی برای واحدهایی که به نحو مطلوب به اتمام رسیده اند، از جمله این برنامه های حمایتی و تشویقی است.
- ✓ برای حل مشارکت بازاریان باید احساس تعلق آنان به مکان را افزایش داد که این امر از طریق توجه به نیازها و خواسته‌های واقعی آنان میسر است، یعنی برنامه ها باید درونزا باشد.
- ✓ بهبود اعتماد بازاریان به وعده‌های داده شده توسط بخش دولتی و شبکه بانکی.
- ✓ افزایش مشارکت و نظرخواهی از بازاریان در طرح‌های بهسازی و نوسازی محلات.
- ✓ برنامه‌ریزی براساس نیاز و مشارکت بازاریان و در جهت ظرفیت سازی اجتماعی در سطح محلات.

منابع:

- ابراهیم‌زاده آسمین، حسین، اشتری مهرجردی، اباذر، حاجیزاده، فاضل (۱۳۹۷): «تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۳ شهر زاهدان»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳، صص ۹۷-۱۳۷.
- اسدیان، فریده و زهرا سیاحی (۱۳۹۰): «نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه موردی محله عامری اهواز»، فصلنامه جغرافیایی آمایش و محیط، شماره دوازدهم.
- امیری، مجتبی؛ نشاط، اکبر؛ نیکنایی، مجید (۱۳۹۵): «بررسی نقش مشارکت شهروندان در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده با رویکرد مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهرداری تهران)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۳، صص ۵۲۳-۵۳۹.
- بابایی اقدم، فریدون؛ ویسی ناب، فتح الله؛ یاری حصار، ارسطو، حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۴): «ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی محله ججین اردبیل)»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره نهم، صص ۶۵-۹۰.
- پوراحمد، احمد؛ امیرحسین خادمی و مسلم ضرغام فرد (۱۳۹۵): «بررسی عوامل و زمینه‌های موجود برای افزایش مشارکت مردمی در فرآیند احیای بافت فرسوده منطقه ۱۴ شهرداری تهران»، دوفصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی ۵، صص ۱۳۹-۱۲۷.
- حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد، مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی چینی جاهای کهن شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه کردستان، کردستان.
- زالی، نادر؛ دارابی، حسن؛ میرزایی، عسگر (۱۳۹۲): «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده محله پیرسرای کلان شهر رشت با رویکرد مشارکت مردمی»، مجله پژوهش برنامه ریزی شهری، سال چهارم، شماره دوازدهم، صص ۹۴-۷۹.
- زیاری، کرامت الله؛ عباسی فلاح، وحید؛ حیدری، اصغر؛ نجفی، اسماعیل (۱۳۹۷)، «نوسازی بافت فرسوده با استفاده از رویکرد مشارکتی و سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: ناحیه ۲ منطقه ۹ شهر تهران)»، فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره، صص ۴۱۱-۳۹۰.
- سجادی، ژیلا، پورموسوی، سیدموسی (۱۳۹۰): «بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر مشارکت مردمی»، فصلنامه جغرافیایی آمایش و محیط، شماره ۱۴، صص ۱۴۵-۱۴۳.
- سیدیان، سیدعلی (۱۳۸۸): «نقش طراحی به‌منظور جلب مشارکت مردمی در فرایند معاصر سازی بافت‌های فرسوده ایران»، دومین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، صص ۳۶-۴۸.
- شماعی، علی. پور احمد، احمد (۱۳۸۴)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- شهریاری، محمدرضا (۱۳۹۸)، بررسی میزان مشارکت مردم در بازسازی بافت فرسوده کلان شهرها مطالعه موردی: خیابان شاهداعی اله شیراز، فصلنامه معماری سبز، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، صص ۹-۱۸.

- صالحی، زینب، شیخی، حجت، رحیمیون، علی اصغر (۱۳۹۲): «بهسازی کالبدی محیطی بافت مرکزی شهر با رویکرد توسعه شهری پایدار»، فصلنامه مطالعات شهری، شماره هفتم، صص ۷۳-۸۷.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۹): نوسازی شهری. رویکردی نو به بافتهای فرسوده تهران: آذرخش.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، بدری، سیدعلی، سجاسی قیداری، حمدالله، صادققلو، طاهره و شهدادی خواجه عسگر، علی (۱۳۹۰)، «اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرمته مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده استان زنجان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۴۳، صص ۶۸-۵۳.
- قدرجانی، راضیه، قیصرانی، نیما (۱۳۹۱): «بررسی روش‌های ارتقاء مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی مسکن فرسوده (مطالعه موردی: محله جولان در شهر همدان)»، فصلنامه هفت حصار، شماره دوم، سال اول، صص ۷۵-۸۳.
- قندهاری، محمد (۱۳۹۷): «بررسی اثرات سرمایه اجتماعی بر نوسازی بافت فرسوده نمونه موردی شهر قم»، فصلنامه معماری شناسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۱۳.
- مریدسادات، پگاه؛ محمدیان، سجاد (۱۳۹۷): «مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله خیرآباد شهر بیرجند)»، فصلنامه آمایش محیط، دوره ۷، شماره ۴۲، صص ۱۶۴-۱۳۹.
- موسوی، سیدحمید، بخشنده نصرت، عباس، الیاس‌زاده، سید نصرالدین (۱۳۹۷): «رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۱۲ شهر تهران»، فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، سال هشتم، شماره ۳، صص ۲۲۰-۲۰۷.
- مومنی، منصور، شریفی سلیم، علیرضا (۱۳۹۰): «مدل‌ها و نرم‌افزارهای تصمیم‌گیری چند شاخصه (۱۳۹۰)»، تهران، انتشارات مؤلفین.
- نصیری هنده خاله، اسماعیل، سالاری‌نیا، مرضیه (۱۳۹۶): «تحلیل عوامل موثر در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی محله ۲۰ منطقه ۱۷ شهر تهران»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۵، صص ۱۴۸-۱۳۵.
- نقدی، اسدالله، کولیوند، شکبیا (۱۳۹۴): «بررسی مشارکت اجتماعی شهروندان در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه ساماندهی بافت فرسوده خیابان مدرس کرمانشاه)»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۷، شماره ۲۱، صفحه ۲-۲۰.
- یاپینگ غراوی، محمد؛ محمدی، منیژه (۱۳۹۵): «اولویت‌بندی روش‌های افزایش مشارکت مردم در بهسازی بافت‌های فرسوده شهری مطالعه موردی: ساریان محله بجنورد»، فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره هشتم، شماره ۲۸، صص ۲۰۸-۱۹۱.
- Bararatin, Kirami & agustin, ETTY. (2015). "Revitalization strategy of Kembang Jepun Surabaya in supporting sustainable urban development", Social and Behavioral Sciences, Vol. 179, pp70-79.
- Esmaili, S., & Zoghi, M. (2014). The impact of matrix structure of Isfahan's Jolfa Quarter on citizens' participation. Advances in Environmental Biology, 8(10), pp 864-870.
- Koppenjan, J.M. and Enserink, B. (2009). Public-private partnerships in urban infrastructures: Reconciling private sector participation and sustainability, Public Administration Review, 69(2), pp 284-296
- La Rosa, Daniele and other. (2017). "Assessing spatial benefits of urban regeneration programs in a highly vulnerable urban context: A case study in Catania, Italy", Landscape and Urban Planning, Volume 157, pp180-192.
- Masoud, M., & Borumand, M. (2015). The analysis of the role of public participation in the process of upgrading urban deteriorated areas in Iran. Journal of Social Issues & Humanities, 3(8), pp 37-47.
- Mohebifar, A. Sobhiyah, M.H. Rafieyan, M. Yeganeh, Y.H. Elahi, Sh. (2017). Governance of distressed areas regeneration program of Tehran with network approach. The Scientific Journal of nazar research center (NRC) for Art, Architecture & Urbanism. 14, 53: 5-14.
- Omar, Siti Syamimi and other. (2016). "Bringing the New to old: Urban regeneration through public arts", Social and Behavioral Sciences, Volume 234, pp515-524
- Peerapun, W. (2012), Participatory Planning Approach to Urban Conservation and Regeneration in Amphawa Community, Social and Behavioral Sciences, 36: 243 – 252.
- Rietbergen, M. (2007). Participation and social assessment (Tools and techniques). Washington, D.C.: The World Bank Publications.
- Wang, H & Song, Y & Hamilton, A. Curwell. (2007), Urban Information Integration For Advanced E-planing In Europe Government Information Quarterly, 24, PP: 763-754.